روزنامه شرق

دوشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۱ • ۱۵جمادی‌الثانی ۱۴۳۳ • ۷ می ۲۰۱۲ • سال نهم • شماره پیاپی ۱۵۲۲ • شماره ۵۹۸ دوره جدید • ۲۰صفحه

روزنامه شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف

تلفن: ۲-۸۸۶۵۴۳۹۱ نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵

امور مشترکین: تلفن: ۳۲-۸۸۸۱۴۲۳۰

توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۱۳۰

چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۸۰۶۲۷۶

www.sharghnewspaper.ir

تهران: اذان ظهر ۱۳:۰۱ اذان مغرب ۲۰:۱۶ اذان صبح فردا ۴:۲۹ طلوع آفتاب ۶:۰۵

«تناسخ به درخت» به نمایشگاه کتاب رسید

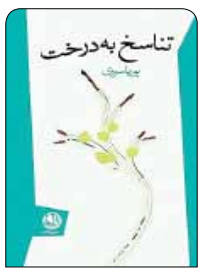

شرق: جدیدترین مجموعه غزل «پوریا سوری» با عنوان «تناسخ به درخت» از صبح امروز دوشنبه در نمایشگاه کتاب عرضه می‌شود. این مجموعه که شامل ۴۵ غزل این شاعر است توسط نشر بوتیمار با قیمت ۳۰۰۰تومان منتشر شده و در غرفه‌های نشر «بوتیمار» به آدرس سالن شبستان، راهروی ۱۴، غرفه ۳۴، غرفه نشر «نگاه» به آدرس سالن شبستان، راهروی ۳۰، غرفه ۱۳ و غرفه «دفتر شعر جوان» به آدرس سالن شبستان، راهروی ۱۷، غرفه ۱۶ به مخاطبان عرضه می‌شود.

دیده‌بان

اروپا را چه می‌شود؟

فریدون مجلسی

■ راستش اخبار روزمره بخش‌های مهمی از اروپا غم‌انگیز و نگران‌کننده است. یونانی‌ها شلوغ کرده‌اند، فریاد می‌زنند، اما دقیقا نمی‌دانند چه می‌خواهند، یا آنچه می‌خواهند، یعنی کار، امنیت شغلی و درآمد کافی، چگونه و از چه محلی باید تامین شود؟ در اسپانیا نیز وضع همین‌طور است و در ایتالیای صنعتی که کار به امواج خودکشی مردان با برجا نهادن نامه‌های پوزش‌خواهانه از همسرانشان کشیده است. فکرش را کنید مردی ۵۰ساله را که عمری با احترام، خصوصا احترام نزد زن و فرزندانش، سرکرده و اینک کار و درآمد و امید خود را از دست می‌دهد و نگران از دست رفتن آن احترام است، که آخرین سنگر و دلیل زنده‌ماندنش است! و در ایرلند و در لهستان! در آتن گروهی پرچم سرخ به دست گرفته‌اند و از کمونیسم چشم امید دارند. اگر کمونیسم در قالب دموکراتیک اروپایی باشد، یعنی با حضور پارلمان و مطبوعات آزاد و شفافیت و نقد مخالفان و پاسخ گرفتن در انتخابات بعدی، که می‌شود نوعی سوسیالیسم اروپایی، گیریم قدری گسترده‌تر. چه کار می‌خواهد کند؟ یا اگر می‌خواهد از مثلا یونان یک کره‌شمالی دیگر یا کامبوجی پُل پُوتی یا نه همین مجارستان و چک اسلواکی بیست‌ودو، سه سال پیش را بسازد، که اگر خوب و پاسخ‌دهنده بود، با آن اشتیاق رهایش نمی‌کردند، تا با گریز از آن جهنم‌ها احساس آزادی و انسانیت کنند! گروه دیگر را دیدیم که نئونازی‌های یونانی هستند که به خیابان‌ها آمده‌اند! اینها چه می‌گویند؟ می‌خواهند تک و تنها در جهان از دنیای یونانی خودشان دفاع کنند، یا به فکر تشکیل یک امپراتوری یونانی افتاده‌اند که آنها خرجشان را بدهند؟ راه‌حل اینان چیست؟ دیروز دیدم کار به آلمان و تظاهرات و آب‌پاشی کشیده است. همه‌جا هم اول به فکر مهاجران و خارجی‌ها می‌افتند! یعنی اروپایی که مقصر نمی‌شود! لابد حضور این اجنبی‌ها ایجاد بدبختی کرده است!

می‌گویند نخستین تمدن بشری در میانرودان و خوزستان خودمان و پس از آن پدید آمد که سومری‌ها بیش از نیاز خودشان تولید کردند، یعنی توانستند قدری از آن مازاد تولید را به دیگران بدهند و چیزهای دیگری که نیاز داشتند از آنها بگیرند، یا آنها را در مقابل مزد ناشی از آن مازاد تولید به کار وادارند و به فکر تجملات، خانه‌ها، ابزارها، معابد و چیزهای دیگری افتادند که هنر و صنعت باشد و به این فرآیند، تبدیل بدویت به مدنیت می‌گویند! در واقع جهش شیوه‌زندگی اروپایی در چند قرن اخیر را می‌توان ناشی از همان اتفاق اولیه سومری دانست، یعنی تولید بیش از نیاز داخلی و تولید بسیار بیشتر از نیاز داخلی! و نیاز به مواد اولیه برای تولید هرچه بیشتر‌تر! و گسترش‌یافتن در جهان برای تامین مواد اولیه و تامین بازارفروش و افزایش بهره‌های سوداگرانه و صرف‌کردن آن در راه توسعه آنچه به آن زندگی و هنر و تمدن اروپایی می‌گوییم. اما جهان هرگز خالی از رقیب نبود و خالی از رقیب نخواهد ماند! آنان تا مدتی آن سازش روزگار و تحولات اجتماعی را ناشی از برتری‌های نژادی، قومی و فرهنگی خودشان می‌انگاشتند. استناد متقابل دیگران به گذشته‌های دیرینشان برای نشان‌دادن این بود که بگویند چنان توهمی نابجاست! اکنون چین دارد نقش اروپای چنددهه پیش را بازی می‌کند! «مِید این چاینا» دارد جایگزین «مِید این جرمنی و فرانس و انگلند» می‌شود و در کنارش کره، فیلیپین، تایلند، مالزی و حتی اندونزی دارند، می‌آیند. ظاهرا آن فرصت‌های اروپایی انحصاری پیشین را لولوی معروف خودمان برده است یا دارد می‌برد! وقتی اروپا بزرگ شد، در واقع این کشورهای اصلی آن بودند که آن بازار فراراوپایی پیشین را اکنون در درون بزرگ‌شده خودشان می‌جستند. در یونان، لهستان، اروپای شرقی و جنوبی! شیر اعتبارات و وام‌های بانکی باز شد، از آلمان، فرانسه و از انگلستان که شیر پول خودش به شیر نفت هم وصل بود. گویی یونانی‌ها با آن وام‌ها از وام‌دهندگان ماشین خریدند، نونوار شدند، فروشگاه و بلوار ساختند، شیوه زندگی‌شان ناگهان اروپایی شد، غافل از اینکه روزی باید آن قرض‌ها را پس بدهند! به‌تدریج نوبت همان بزرگ ترها هم خواهد رسید. من این وضع جدید را ناشی از کاربرد قانون ظروف مرتبطه در اقتصاد می‌نامم. کشورهای تازه با منابع انسانی ارزان و توقعات کمتر، تولیدات‌شان را عرضه می‌کنند و اروپای کوچک با جمعیت متراکم و پرتوقع و با از دست‌دادن بخش مهمی از منابع و آن بازارهای قدیمی و انحصار در برابر رقبا و کوتاه‌ترشدن دستش از منابع فرا اروپایی چه خواهد کرد؟ قدیمی‌ها می‌گفتند نقرس و مرض‌قند بیماری اغنیا و ناشی از خوردن مکرر غذاهای گوشتی و چرب و نرم است! یا شاید به عبارت فرهنگی خودمان باید گفت: کفاره شراب‌خوری‌های بی‌حساب، هشیار در میانه مستان نشستن است! ظاهرا اروپایی‌ها باید کمربندهایشان را سفت کنند. خیلی سفت! ما که جای خود داریم!

کافه نظر

می‌خواهد زنده نماند!

حمید جعفری: گذاشت و گذشت، دردش را در میان خطوط پیکرش پنهان کرد. تمام تلاشش در پنج دهه اخیر شمسی حضوری پررنگ در عالم سینمای ایران بود. حالا نتیجه‌اش هرچه بود گذاشت و گذشت و درگذشت. بامداد یکشنبه بود که خبر درگذشت «ایرج قادری» دهان‌به‌دهان چرخید، چند ساعت بعد خبر مرگ قادری تکذیب شد اما صبح علی‌الطلوع در سکوتی مرگبارتر از اصل خبر ایرج قادری در قبرستان «بی‌بی سکینه» کرج به خاک سپرده شد.

حالا دیگر او می‌خواهد زنده نماند! آنچه در ادامه می‌آید سوگواره‌هایی درباره ایرج قادری است.

داوود رشیدی ◄ بازیگر

باور از دست‌دادن همکار و دوست ۵۰ساله‌ام برایم خیلی سخت است. به این فکر می‌کنم که مرتکب چه نامهربانی‌هایی شده‌ایم و وقتی خبردار شدیم حال «ایرج قادری» خوب نیست به دیدارش نرفتیم. این درسی خواهد بود برای ما که هوای یکدیگر را داشته باشیم. در این لحظه جز تاسف و تاثر کاری نمی‌توان کرد. به همسرش و جامعه سینمای ایران درگذشت ایرج قادری را تسلیت می‌گویم.

سعید راد ◄ بازیگر

به قول یکی از استادان دیر به یاد یکدیگر می‌افتیم. در دو فیلم «هدف» و «برزخی‌ها» با ایشان همکاری داشتم. «ایرج قادری» جزو بدنه سینمای ایران بودند و مخاطبان خاص خودشان را داشتند. فعال و اثرگذار بودند و جنس آثارشان عامه‌پسند بود. ایرج قادری از معدود سینماگرانی بود که پنج دهه در سینمای ایران فعالیت کردند و جزو نوادر سینمای ایران بودند، همین حضور باعث ارتباط خوب مردم با آثار سینمایی ایشان بود.

پروانه معصومی ◄ بازیگر

من فقط یک‌بار جناب «قادری» را از نزدیک دیدم و آن هم در جمعه‌بازار در چند سال پیش بود. الان هم ساعاتی است که از درگذشت ایشان مطلع شده‌ام و فقدان ایشان را به همه جامعه هنری ایران تسلیت می‌گویم.

همایون ارشادی ◄ بازیگر

در جوانی از مخاطبان و علاقه‌مندان به آثار سینمایی ایشان بودم. متاسفانه با مرگ این هنرمندان لطمه جبران‌ناپذیری به جامعه هنری ایران وارد می‌شود.

«ایرج قادری» از ماندگارترین چهره‌های سینمای ایران بودند و فیلم «می‌خواهم زنده بمانم» ایشان هم از ماندگارترین آثار سینمای ایران است.

منیژه حکمت ◄ کارگردان و تهیه‌کننده

در این روزها شاهد ازدست‌رفتن پیشکسوتان بسیاری از اهالی هنر و سینما هستیم و تنها یادشان در صفحات روزنامه‌ها به جا می‌ماند. این درحالی است که در این شرایط و اوضاع و احوال سینمای ایران، بهتر است مسوولان شهرداری و سینمایی به فکر قبرستان بزرگ‌تری برای سینماگران باشند.

مهرانه مهین‌ترابی ◄ بازیگر

در فیلم «پاتو زمین نذار» با ایشان همکاری داشتم. «ایرج قادری» بسیار مهربان و در کار فعال بود. امید داشتیم که سال‌های سال شاهد حضورشان در سینمای ایران باشیم اما متاسفانه این اتفاق ... متاسفم و به جامعه هنرمندان ایران تسلیت می‌گویم. «می‌خواهم زنده بمانم» را از بهترین فیلم‌های ایشان می‌دانم.

احمد طالبی‌نژاد ◄ منتقد

چقدر دشوار است نوشتن درباره کسی که به‌رغم حضور و فعالیت بیش از ۵۰سال در سینما، هرگز شیفته او و ساخته‌هایش نبوده‌ام. حتی در نوجوانی و اوج گرایش به فیلم‌فارسی هم، «ایرج قادری» بازیگر و کارگردان مورد علاقه‌ام نبود. چرا دروغ بگویم؟ یکی، دو باری هم که با وی روبه‌رو و همکلام شدم که شرح مفصلی می‌طلبد، هیچ حسی نسبت به وی در من ایجاد نشد. اما وقتی شنیدم در بستر بیماری افتاده و ممکن است از دست برود دلم گرفت. نه از این بابت که او دارد جهان ما را ترک می‌کند. بیشتر از این جهت که چرا هیچ‌کس هیچ‌وقت کاری جدی در شناخت شخصیت، تفکر و سلیقه فرهنگی او انجام نداد. کتابی، مقاله‌ای، فیلمی مستند و کارهایی از این قبیل که ما را با هویت واقعی او که به هر حال بیش از ۵۰سال در سینما دوام آورده و در دوره‌های مختلف هم مردمان زیادی دوستش داشته‌اند، آشنا کند. آرزو می‌کنم کسی این کار را کرده باشد. قادری به نسلی از سینماگران ایران تعلق داشت که چند دهه بار اقتصاد این سینما را بر دوش داشتند. ولی همسو با تحولات فکری و فرهنگی جامعه که به سینما هم سرایت کرد، دست‌کم از اواخر دهه ۱۳۴۰ به بعد، کوششی در جهت ارتقای فکر و سلیقه خود نکردند.

دکه

راهنمای سفر بهاری در «سرزمین‌من»

شماره ۳۲ «سرزمین‌من»؛ ویژه‌نامه‌ای برای گشت‌وگذار در طبیعت اردیبهشت‌ماه ایران، منتشر شد. در این شماره از مجله که متناسب با آب و هوای طبیعت اردیبهشتی ایران ارایه شده، مطالبی متنوع درباره طبیعت ایران و سفرهایی که در این ماه می‌توان انجام داد، ارایه شده است. مطلب «در جستوجوی بهشت ایرانی» که عکس جلد این شماره مجله نیز به آن اختصاص یافته، گزارشی است که خوانندگان را به گشت‌وگذار به ۹ باغ ایرانی می‌برد؛ باغ‌هایی سرسبز که سال گذشته در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیدند. در بخش «مردم‌شناسی» این شماره دو گزارش منتشر شده است. «گل اومد، عروس اومد» گزارشی از یک عروسی محلی در روستایی در منطقه کیاسر است که همزمان با شکفتن لاله‌های این منطقه سرگرفته است. «سفرنامه»، «آخر هفته»، روستاگردی، تاریخ‌گردی و... از دیگر بخش‌های این نشریه هستند. شماره ۳۲ ماهنامه ایران‌شناسی و ایران‌گردی «سرزمین‌من»، در ۱۴۸ صفحه، با قیمت سه‌هزار تومان به صورت تمام‌رنگی و گلاسه منتشر شده است.

کارتون‌خواب

کیوان زرگری

cartoononline.persianblog.ir

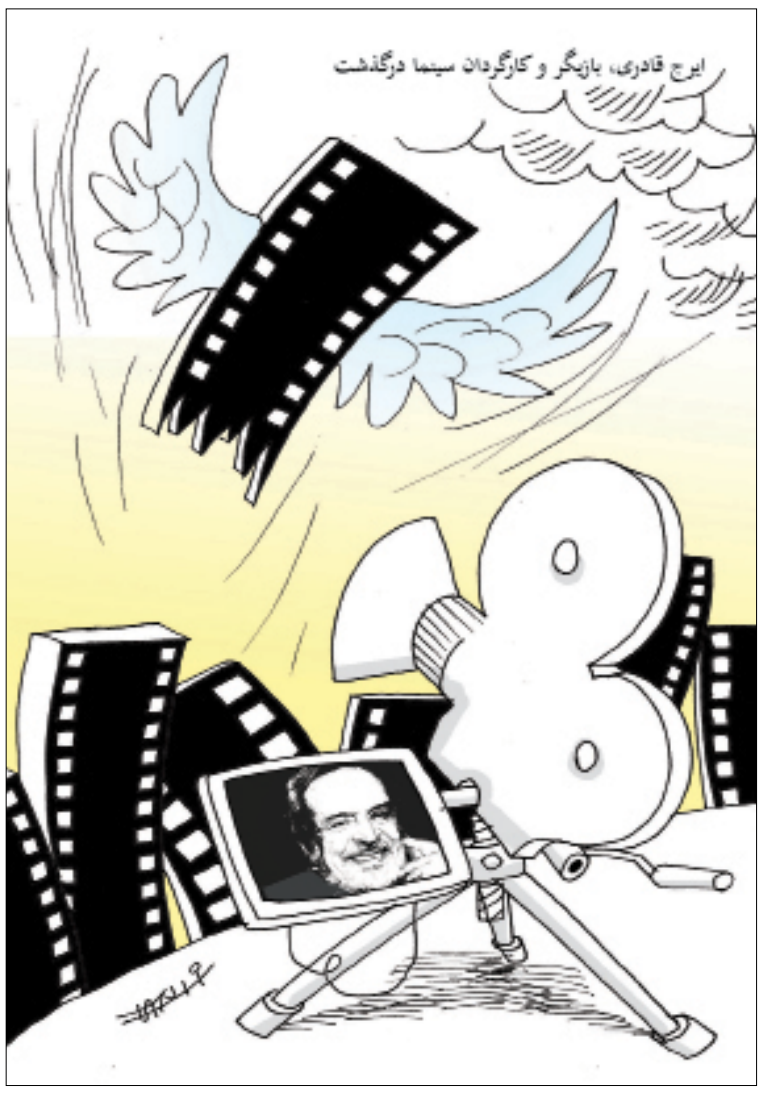

نگاه سبز

درس محیط‌زیستی در سال تولید ملی

محمد درویش

Darvish100@gmail.com

همان‌طور که در یادداشت پیشین خود در مورخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۱ با شما خوانندگان گرامی نامه «شرق» در میان نهادم، هفته گذشته چند روزی را برای استعدادیابی و آگاهی از زمینه‌های تبدیل «بهاباد» به نخستین شهر خورشیدی ایران در قالب پروژه‌ای بین‌المللی به نام منارید – MENARID - در جنوب استان یزد گذراندم. گفتنی آنکه، مطابق اهداف پیش‌بینی‌شده در سند برنامه پنجم توسعه، باید تا پایان سال ۱۳۹۴ بتوانیم پنج‌هزارمگاوات برق از محل استحصال انرژی‌های نو به دست آوریم؛ اتفاقی که ۱۴ماه پس از سپری شدن آن، باید به تلخی بپذیریم که هنوز قدمی از قدم برنداشته‌ایم!

به هر حال در این سفر کاری که گروهی از کارشناسان در گرایش‌های گوناگون از منابع طبیعی و محیط زیست گرفته تا اقتصادی/ اجتماعی و انرژی خورشیدی حضور داشتند، واقعیت تامل‌برانگیزی را دریافتم که به ویژه با توجه به نامگذاری سال ۱۳۹۱ با عنوان «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» بد ندیدم تا پندارم را در همین ستون نگاه سبز با هموطنان عزیزم درمیان نهاده و به ثبت رسانم.

حقیقت این است که اغلب سازه‌های خورشیدی، به ویژه آبگرمکن‌های خورشیدی که در شهرستان بهاباد و روستاهای اطراف آن در «آسفیچ» و توابعش نصب شده بودند، عملا بدون مصرف و غیرقابل استفاده می‌نمود. آن هم در حالی که از نصب و راه‌اندازی آنها، زمان زیادی نگذشته است. از آنجا که در گروه ما دو نفر از ماهرترین کارشناسان فنی حوزه انرژی خورشیدی، «پیمان کنعان» و «شهرام نظامی‌وندچگینی» هم حضور داشتند، آشکار شد که مهم‌ترین دلیل ازکارافتادگی این ابزارهای نسبتا گران‌قیمت، آن بوده است که شرکت‌های سازنده داخلی، به دلیل پایین آوردن قیمت تمام‌شده و افزایش سودشان، از کیفیت کالاها و قطعاتی که باید در ساخت این سازه‌ها از آنها بهره می‌بردند، کاسته‌اند و مهم‌تر اینکه از ارایه خدمات پس از فروش اجناس‌شان هم خودداری کرده‌اند تا عملا نه‌تنها هیچ یک از آبگرم‌کن‌های خورشیدی و حمام خورشیدی مورد بازدید، کار نکند و به اصطلاح آبی را گرم نکنند، بل نگران‌کننده‌تر آنکه نوعی فضای بی‌اعتمادی نسبت به کاربستِ این نوع فناوری نیز در بین مردم، رهبران جوامع محلی و مدیران منطقه به وجود آمده است؛ رخدادی که همه می‌دانیم ترمیم آن در بین مشتری‌های کالایی که امتحان خوبی پس نداده‌اند، بسیار دشوار است.

بنابراین، به نظر می‌رسد اینک که در عالی‌ترین سطح حکومتی، به این نتیجه رسیده‌ایم که باید به درستی از تولید ملی و سرمایه ایرانی حمایت کنیم، نباید تحت هیچ شرایطی کیفیت را فدای کمیت و سرعت کرده و ماجرای تلخی مانند حمام خورشیدی آسفیچ را در مقیاسی بزرگ‌تر تکرار کنیم.

تولیدکنندگان شریف و کارآفرینان مبتکر ایرانی باید بدانند که اتفاقا در سال ۱۳۹۱، مسوولیتی بزرگ‌تر از هر زمان دیگری را بردوش می‌کشند؛ مسوولیتی که اگر به درستی و اخلاق‌مدارانه آن را به انجام رسانند، همه آحاد سرزمین ایران از ساکنان انسانی‌اش تا جوامع گیاهی و جانوری و توان بوم‌شناختی (اکولوژیکی)اش سود خواهند برد و هم از یک سو بر قدرت زیست‌پالایی طبیعت افزوده می‌شود و هم توان رقابتی ایشان در بازارهای برون‌مرزی افزوده خواهد شد.

امید که محیط زیست و انرژی خورشیدی و سال تولید ملی را بهانه‌ای برای پرپول‌تر کردن جیب‌هامان نکرده و ضمن در نظر گرفتن سودی معقول، بکوشیم با تحمل ریاضتی منطقی، زمینه را برای گسترش شتابناک‌تر استفاده از ابزار و تکنولوژی ایرانی در کاربست پایدار کارمایه (انرژی)های نو فراهم آوریم و به‌این‌ترتیب، سال ۱۳۹۱ را به مبداء جهشی ماندگار در افزایش عیار این واژه بدل کنیم: ساخت ایران.

مرگ مولف

هفتمین سالمرگ «موذن‌زاده اردبیلی»

تجلی یک خلوص

حسام‌الدین سراج

ماندگارترین اثر مرحوم موذن‌زاده اردبیلی، اذانی است که با صدای ایشان به یادگار مانده؛ اذانی که با وجود سه ویژگی منحصربه‌فرد، و متمایز از سایر اذان‌هایی است که شنیده‌ایم. شاید نخستین دلیل اقبال این اذان خلوصی باشد که مرحوم موذن‌زاده برای خواندنش داشته‌اند. گفته شده که ایشان بعد از ۴۰روز روزه‌داری با حضور قلب این اذان را تلاوت کرده‌اند و به نوعی شاید این اذان تجلی خلوص موذنش بوده. ویژگی بعدی این اذان انتخاب مایه «بیات-ترک» است که یک مایه اصیل ایرانی و به نوعی در حافظه مردم ما ثبت شده و خاطره‌انگیز است که به تاثیرگذاری هر چه بیشتر این اذان کمک کرده. اما ویژگی سوم هم اجرای پخته و با صلابت این اذان در دانگ بالا است. این سه عامل هر یک سبب شدند تا این اذان برای مردم، بار معنوی متفاوتی داشته باشد و مردم هم با شنیدنش صافی و زلالی موذنش را حس کنند.

ادامه از صفحه اول

«اولاند» و ایران

فرانسه با حدود ۹۳ میلیارد یورو کسری بودجه مواجه است و دولت این کشور دو طرح ریاضتی را از اول سال برای جبران بخشی از کسریهای بودجه‌ای به مورد اجرا گذاشته است. سررسید بدهی‌های خارجی فرانسه در سال‌جاری ۲۰۱۲ بالغ بر ۲۸۲ میلیارد یورو می‌باشد و این امر فشارهای اقتصادی پولی زیادی را به این کشور تحمیل می‌کند و در زندگی روزمره مردم تاثیر می‌گذارد. نرخ تورم طی دوره یک ساله منتهی به ماه مارس امسال، ۲/۳ درصد برآورد شده است. تداوم بحران مالی در حوزه یورو و در فرانسه، به ویژه ظرف ماه‌های اخیر توان خرید فرانسویها نیز به طور نسبی دستخوش افت شده است. با وجود اینکه این ترس در فرانسه وجود داشت که مشارکت مردم این کشور در انتخابات پایین باشد و نظرسنجی‌ها نیز همچنین چیزی را پیش‌بینی می‌کردند، با این حال درصد مشارکت ۸۰ درصدی به طرز غیرمنتظره‌ای بالا بود. بسیاری از مرددین و آراء خاموش به پای صندوق‌های رای آمدند تا آقای سارکوزی و دولت حاکم دوباره رای نیاورد و به کناری برود. تقریبا تمامی ۹ نامزد رقیب سارکوزی در این دوره از انتخابات ریاست‌جمهوری عملکرد پنج ساله نیکلا سارکوزی را به ویژه در زمینه مسایل داخلی و اقتصادی کشور ضعیف می‌دانند. پیروزی فرانسوا اولاند با ۵۱/۹ درصد آراء در دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری به معنای ایجاد ترمزی شدید در برابر این توافقات صورت گرفته در چارچوب پیمان ثبات مالی اروپا خواهد بود و عدم تبعیت اولاند بعنوان رییس‌جمهور سوسیالیست از آلمان، موجب تضعیف جایگاه آلمان نیز در اروپا خواهد شد. انتخاب اولاند ممکن است روابط گسترده پاریس- برلین را دچار کندی کند و محور فرانسه - آلمان را در تعاملات اروپایی را زیر سوال ببرد و دولت مرکل را به واکنش در برابر دولت آینده اولاند وادارد. از طرفی بنظر می‌رسد شکست سارکوزی و پیروزی اولاند موجب خرسندی انگلیس باشد زیرا که انگلیس بعنوان کشوری که به یورو پول واحد اروپایی نپیوسته از به هم خوردن توافقات اروپایی خشنود خواهد شد و این امر موقعیت رقبای اصلی آن یعنی آلمان و فرانسه را در کل در تعاملات اروپایی تضعیف خواهد کرد. بسیاری از رسانه‌ها، انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه را انتخاباتی سرنوشت ساز برای کل اروپا ارزیابی کرده‌اند. زیرا با توجه به تحولات اخیر اروپا و مشکلات اقتصادی پولی اروپا طی دو سال گذشته و بحران یورو، پیروزی فرانسوا اولاند در دور دوم انتخابات به معنی تغییری بزرگ در جهت‌گیری‌های مالی در فرانسه، آلمان و در مقیاسی بزرگ‌تر در تمام حوزه یورو خواهد بود. پیروزی اولاند و تغییر رویه فرانسه می‌تواند علامتی برای تغییر رویه در تمام اروپا باشد و در آینده نزدیک ما شاهد تغییر و تحولاتی در دولت‌های اروپایی خواهیم بود. در ارتباط با ایران این ایده مطرح شده که اولاند کاندیدای سوسیالیست فرانسوی‌ها در شرایطی که برگ برنده را به خود اختصاص دهد در مواجهه با پرونده هسته‌ای ایران واکنش کمتری به نسبت سارکوزی از خود نشان خواهد داد. اولاند بیشتر بر مسایل داخلی متمرکز خواهد شد و سعی وافر دولت وی رسیدگی به معضلات اقتصادی اجتماعی داخل کشور، رفاه عمومی، اشتغال... خواهد بود و اصلی‌ترین اولویت او در حوزه سیاست خارجی هم نجات منطقه یورو خواهد بود. بنظر می‌رسد نزدیکی روابط با آمریکا که در دوره سارکوزی خیلی اهمیت یافت کمرنگ شده و تعاملات فراآتلانتیکی با سرعت و علاقه‌مندی کمتری پیش خواهد رفت. مساله‌هایی مانند سوریه و ایران به وزارت امور خارجه محول خواهد شد. این در حالی است که موضع فرانسه در دوران سارکوزی نسبت به پرونده هسته‌ای ایران بسیار سخت شد و دولت سارکوزی خط مشی بسیار تند و نزدیک به آمریکا و انگلیس را در پیش گرفت و در برخی موارد پیشگام کشورهای غربی در برخورد با پرونده هسته‌ای ایران و اعمال تحریم‌های جدید بود؛ در حالی که در دوره شیراک فرانسه از یک موضع معتدل‌تری نسبت به ایران برخوردار بود. در کل بنظر نمی‌رسد موضع فرانسه در قبال ایران و پرونده هسته‌ای در دوره اولاند خیلی تغییر کند و الیزه احیانا همان خط مشی سخت دولت سارکوزی را در پیش خواهد گرفت. اگرچه بعید است اولاند جاه‌طلبی سارکوزی را در مسایل بین‌المللی داشته باشد.

*** پژوهشگر ارشد مطالعات فرانسه**

ادامه از صفحه اول

شکایت‌های حیرت‌انگیز مجلس

کمتر هفته‌ای می‌گذرد که رییس مجلس، رییس مرکز پژوهش‌های مجلس، یکی از اعضای هیات‌رییسه مجلس یا یکی از مسوولان کمیسیون‌های مختلف مجلس سخنی در باب تخلف رییس‌جمهوری بر زبان نیاورد. از برداشت‌های غیرقانونی از حساب‌های مختلف گرفته، تا عدم واریز به حساب‌های مختلف، از اقداماتی خلاف مصوبات مجلس، تا این حساب و آن حساب کردن و سایر اشکال دیگر تخلفات. جالب است که رییس دولت هم انگارنه‌انگار که آن اعتراض یا اعلام تخلف نسبت به عملکرد وی بوده و اصلا زحمت اینکه پاسخی بدهد را هم به خود نمی‌دهد. به‌راستی چرا چنین شده؟ چرا مجلس این‌قدر در برابر قوه‌مجریه احساس ضعف و ناتوانی می‌کند؟ چرا وضعیتی شده که اساسا رییس‌جمهور قوه‌مقننه را جدی نمی‌گیرد؟ آیا اشکال در شیوه مدیریت اجرایی رییس دولت است یا مشکل در جای دیگری است؟ نکته آن است که هر پاسخی برای این پرسش‌ها در نظر بگیریم، این واقعیت تلخ را نمی‌توان نادیده گرفت که به قول قدیمی‌ها «از ماست که بر ماست»؛ شکل و شیوه و نوع برخورد و تعامل مجلس از همان ابتدا با دولت به‌گونه‌ای بود که کار را به اینجا کشانده. در آن دوران طولانی ماه‌عسل میان اصولگرایان و رییس‌جمهوری که از تیر ۸۴ شروع شد و تا اردیبهشت سال گذشته تداوم یافت، مجلس همه تخم‌مرغ‌هایش را در سبد آقای احمدی‌نژاد گذاشت و با همه توان از وی حمایت کرد. اما اگر آن روزهایی که مجلس دولت را بر عرش اعلا برده بود، اندکی اندازه نگه می‌داشت و مجالی هم به سخنان منتقدان وی می‌داد، امروز مجبور نمی‌شد که فریاد انتقاد از تخلفات دولت برکشد.